انترناسیونال 461

یاشار سهندی

صفحه بازتاب هفته

انقلاب زنانه علیه جنایت اسلامی

طالبان در افغانستان جنایتی دیگر آفرید. زنی را به جرم ساخته و پرداخته ذهن بیمار کسانی که به "خدای محمد" ایمان دارند، در پیش چشم مردمانی که دست شان از همه جا کوتاه است به طرز هولناکی به قتل رساندند. به این گونه "قانون شریعت" را به اجرا گذاشتند و "سنت الهی" را زنده نگه داشتند. طالبان یک پدیده استثنایی مربوط به یک جریان اسلامی که "قرائت خاصی از اسلام" دارد نیست. همه جریانهای اسلامی با هر قرائتی از این دین در یک چیز مشترک هستند و آن دشمنی خاص آنها با زنان است. از خمینی گرفته که شیوه تجاوز به نوزاد دختر را آموزش میدهد تا طالبان که بر سر "تصاحب" یک زن او را میکشد تا فلان روشنفکر دینی که با دیدن موی و رخسار زنان حالش دگرگون میشود تا خود پیامبر این دین که از زبان خدا زنان را کشتزار مردان میداند و فرمان میدهد که زنان رامیشود مالک بود، یک خط بهم پیوسته هستند.

در این میان اما دلیل مهم تر دشمنی کینه ورزانه آنها با زنان ـ چه آن گروه که دستی در قدرت دارند و یا آنها که تلاش دارند تا به قدرت سیاسی دست یابند ـ دلیل سیاسی بسیار روشنی دارد و آن ایجاد ترس و دلهره و به عقب راندن جامعه است و بدین گونه خود را جریان مطلوب سرمایه نشان دهند که میتوانند شرایط برده وار زندگی کنونی را تضمین کنند. در افغانستان بعد از سالها جنایت آشکار طالبان در حکومت و چه به عنوان یک گروه "جنگجو"(!) آواره در کوهها، آمریکا و متحدان غربی آن و همچنین دولت افغانستان دربدر به دنبال راهی هستند که با ایشان به "صلح" دست یابند و آنها را در قدرت سیاسی شریک کنند. چون به زعم ایشان این باندهای جنایتکار بخشی از "جامعه مدنی" هستند. اما اگر نمی توانند با هم به مصالحه برسند نه به دلیل نخواستن طالبان بلکه بدین خاطر است که جامعه افغانستان به شدت مخالف این جریان وحشی اسلامی است. در یک شرایط آزاد نه طالبان و نه حکومت روسای قبایل و رهبران باندهای مسلح به ریاست کرزای امکان ابراز وجود پیدا نمی کند. قدرت طالبان در مناطق مختلف فقط به کمک ترور و کشتار و توسط باندهای جنایتکار اسلامی امکان پذیر است. و حکومت کرزای به کمک نیروهای ناتو، و باندهای مافیایی قابل دوام است.

اما با این وجود این دو نیروی جنایتکار اسلامی، شاهد بودیم که زنان در کابل، درست در مرکز حکومت این جانیان، به خیابان آمدند و بر علیه خشونت اسلامی به اعتراض برخواستند. اگر به گفته بی بی سی یکی از رهبران طالبان میگوید طالبان نمی تواند کابل را تصرف کند صرفا به عدم توانایی نظامی آنها نیست، بلکه بخاطر جنبش اعتراضی قوی علیه جریانات اسلامی است، که در عمق جامعه جریان دارد. اگر کرزی قتل اخیر را محکوم میکند نه بخاطر انسان دوستی اش بلکه بخاطر وحشت او از قدرت جنبش زنان است. اگر بی بی سی به این موضوع خاص میپردازد با وجود آنکه میداند خیلی بیشتر از اینها "خشونت علیه زنان" وجود دارد بخاطر این است که به گفته مجری این تلویزیون این موضوع با انتشار فیلم این قتل در پیش جهانیان چهره کریه جنبش اسلامی را به نمایش گذاشته است. و مانند همیشه بی بی سی وظیفه خود می داند، نیروهای اسلامی را در این جنایات بیگناه جلوه دهد به همین دلیل است که از بی بی سی می شنویم: "میگویند" این قتل توسط طالبان انجام پذیرفته (و بی بی سی هنوز نمی تواند آنرا تایید کند!)

اعتراض زنان در کابل علیه جنایت آفرینی جریان اسلامی گوشه کوچکی از اعتراض قدرتمند زنان در منطقه است. "انقلاب زنانه" میرود و باید از کابل تا قاهره گسترش پیدا کند و همانگونه که یک موضوع اصلی جنبش ضد انسانی اسلامی دشمنی به زنان است، یک عامل مهم شکست و فروپاشی آن نیز جنبش زنان خواهد بود.